

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
طِيبُ الْوَلَايَةِ فِي شَرْحِ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ
لِمَوْلَانَا، أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ
(53)

چهارشنبه 07 - 03 - 1438؛ 17 - 09 - 1395؛ 07 - 12 - 2016

1. (حکمت 130، نسخه فیض الاسلام)

1. متن و ترجمه کلام امام - علیه السلام:

فیض الاسلام، قصار 130

وَقَالَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعًا لَمْ يُحْرَمَ أَرْبَعًا مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ يُحْرَمِ الْإِجَابَةُ وَمَنْ أُعْطِيَ التَّوْبَةُ لَمْ يُحْرَمِ الْقَبُولُ وَمَنْ أُعْطِيَ الْاسْتِغْفَارَ لَمْ يُحْرَمِ الْمَغْفِرَةُ وَمَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزِّيَادَةُ وَتَصَدِّقَ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى قَالَ فِي الدُّعَاءِ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ وَقَالَ فِي الْاسْتِغْفَارِ وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظِلْمَ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا وَقَالَ فِي الشُّكْرِ لَنْ شُكْرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَقَالَ فِي التَّوْبَةِ إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

[و فرمود:] هر که چهار چیز بخشیده شد، از چهار چیز محروم نشد. آن که دعا داده شد، از پذیرفته شدن محروم نشد، و آن را که توبه داده شد، از قبول گردیدن محروم نشد، و آن که غفران خواستن داده شد، از مغفرت محروم نشد، و آن که شکر داده شد از فرونی محروم نشد.

و تصدیق آن در کتاب خدای تعالی است، که در باره دعا فرمود، "ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ" (مرا بخوانید تا پاسخ گویم شما را!) و درباره غفران خواستن فرمود، "وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظِلْمَ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا" (و هر که کاری بد کند، یا بر خویش ستم ورزد، سپس از خدا غفران خواهد، خدا را غفور و رحیم یابد). و در باره شکر فرمود، "لَنْ شُكْرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ" (اگر شکر گزارید، می افزایم شما را). و درباره توبه فرمود، "إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا" (جز این نیست که پذیرفتن توبه بر خدا است برای آنان که زشتی انجام می دهند از روی نادانی، سپس توبه می کنند از نزدیک. پس خدا توبه می کند بر آنها، و علیم حکیم است)

1. شرح حکمت 130 (5)

1. مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعًا لَمْ يُحْرَمَ أَرْبَعًا: هر که چهار چیز بخشیده شد، از چهار چیز محروم نشد.
2. مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ يُحْرَمِ الْإِجَابَةُ: آن که دعا داده شد، از پذیرفته شدن محروم نشد.
3. وَمَنْ أُعْطِيَ التَّوْبَةَ لَمْ يُحْرَمِ الْقَبُولُ: و آن را که توبه داده شد، از قبول گردیدن محروم نشد.
4. آیا عزم بر ترک گناه از ارکان توبه است؟: در مورد اینکه عزم بر ترک گناه در آینده شرط صحت توبه است یا خیر، شیخ ابن عربی با دیگران اختلاف نظر دارد. به نظر ایشان تائب باید ترک عزم بر بازگشت به ذنب کند، نه عزم بر ترک ذنب، تا در صورتی که مقدر شده باشد بازگشت تائب به ذنب، تنها یک ذنب داشته باشد، نه دو ذنب. یکی کسب ذنب، و دیگری نقض عهد، که عزم او بر ترک بوده است، به خلاف کسی که عزم بر ترک نکرده است. پس، او چون بر گردد یک ذنب دارد.
5. توضیح قاسانی: مولی عبد الرزاق قاسانی در توضیح توبه و مراتب آن چنین می فرماید (لطائف الأعلام فی إشارات أهل الإلهام، ج 1، ص 288 - 287):

توبه همان رجوع به سوی خدا ی تعالی است. و گفته اند که توبه سه امر را جمع می کند، و آن سه عبارتند از ندم بر ذنب، ترک آن فی الحال (در زمان حال)، و عزم بر ترک آن فی المال (در آینده)

و نیز گفته اند: توبه عبارت است از رنج بردن نفس از ردائی که مرتکب شده است همراه با عزم بر ترک آن و جبران آنچه از دست شده است به حسب طاقت.

شیخ رحمه الله در فتوحات گوید:

شرط ترک عزم بر بازگشت به ذنب است، نه عزم ترک. مقصودش آن است اگر تائب باشد از آنچه در علم خدای تعالی گذشته است، برگشتش به ذنب، چنانچه بر گردد به ذنب، دو ذنب دارد. یکی کسب ذنب است، و دیگری نقض عهد، که عزم او بر ترک بوده باشد. به خلاف کسی که عزم بر ترک نکرده است. پس، او چون بر گردد یک ذنب دارد. این ظاهر است، ولی [نکته این است] در عزم بر ترک، دعوی عصمت است، لیکن ترک عزم چنین نیست، و ترک عزم همانا امری است که عبد از خودش درک می کند، پس صحیح باشد عهده بین او ریش. اما اینکه در آینده نیز [به آن ذنب] بر نخواهد گشت، غیب است و اطلاع از آن ندارد مگر [خدای] سبحان علام الغیوب.

خواه ندم و ترک داخل در حقیقت توبه باشند یا شرط آن، حقیقت توبه، همانطور که گفته شد، رجوع (بازگشت) است، و رجوع دارای مراتبی است: 1- رجوع از مخالفت به موافقت، 2- و [رجوع] طبع به شرع، 3- و [رجوع] از ظاهر به باطن، 4- و [رجوع] از خلق به حق، به شکلی که باز گردد عبد از همه ما سوی الله، تعالی، به حیثی که باقی نماند در قلبش میلی به غیر ربّش، تعالی و تقدّس. این همان کسی است عبادت می کند خدا را برای خدا تعالی، نه به خاطر رغبت به ثوابی یا ترس از عقوبتی. سپس، بعد از آن، توبه می کند از علّت توبه. یعنی، سپس توبه می کند از اینکه ببیند توبه اش را از آن علّت به نحوی که او آن را توسط خودش دیده است، بلکه توسط ربّش آن را دیده است.

6. **ادامه گفتار شیخ ابن عربی درباره توبه:** شیخ اکبر ابن عربی در ادامه بحث خود در باب توبه، استشهاد می نماید به قول خدای تعالی، "أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ" (35:8 فاطر) (آیا کسی که عمل بدش برای او آراسته شده است و آن را خوب و زیبا می بیند؟! خداوند هر کس را بخواهد ضالّ گرداند، و هر کس را بخواهد هدایت کند؛ پس، جانّت را به خاطر شدت تاسف بر آنان از دست مده، خداوند به آنچه انجام می دهند داناست!)، و می گوید (الفتوحات المکیه، ت. عثمان یحیی، ج 13، ص 284-279): و [این رای اخیر که ندم را بر آن چیزی می داند که فوت شد از او از اضافه فعل به فاعل در حال فعل] خود نوری است عظیم شمعشعانی، که حجابش قول خدای تعالی است، "أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا" (35:8 فاطر) (پس آیا آن که آراسته گردیده شود برای او زشتی عملش، و در نتیجه، آن را نیکو بیند ...) پس، [خدا] مقرون ساخت آن را به زشتی چون [عامل] اضافه نمود آن را به خود، و در نتیجه، آن را زیبا دید. ناگزیر، باید حضرتی وجودی بوده باشد، که واجب نموده باشد بر او حسنی را که محلّ فعل دید آن را، زیرا ممکن [الوجود] عدم نمی بیند. و آنجا حسنی نیست مگر از افعال خدا بودنش، و زشتی ای نیست مگر اضافه آن به عبد، چه فرمود، "أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ" (پس آیا کسی که آراسته گردیده شود برای او) با برای ربّش بودن، "سُوءُ عَمَلِهِ" (زشتی عملش) از آن حیث که عمل اوست، و آن را زشت کسب کرد، "فَرَآهُ حَسَنًا" (و در نتیجه دید آن را نیکو) به تزئین الهی، و زینت خدا غیر محرم است، و آن (عمل) در نفس الامر مزین است به زینت خدا، و [آن] نزد عبد به حسب چیزی است که حاضر می شود در آن. پس، اگر حاضر نماید آن را تزئین شیطان، آن زشتی ای باشد بر زشتی؛ و اگر حاضر نماید آن را تزئین حیات دنیا، آن غفلتی باشد در زشتی؛ و اگر حاضر نماید آن را تزئین خدا و اضافه به عبد باشد، آن حسنی است در زشتی؛ و اگر [عبد] بگیرد اضافه زشتی به عمل را از روی ادب الهی، آن حسنی باشد در حسن. شعر:

كُلُّ شَيْءٍ أَنْتَ فِيهِ حَسَنٌ لَا يُبَالِي حَسَنٌ مَا لَبَسَا

(در هر چه تویی بود او زیبا بر زیبایی آنچه پوشد نبود پروا)

از لباس مخالفت یا موافقت، چه اگر تو موافقت امر نکرده باشی، موافقت داشته باشی با اراده. اگر نمی بود بین زشت و زیبا مناسبتی که اقتضای جمع آن دو را دارد در عینی واحد، که با زیبایی زشت باشد، و قبول نمی نکرد تبدیلی را که در قول خدای تعالی آمده است، "يُبدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ" (25:70) (خدا تبدیل می کند زشتی آنها را به زیبایی)، و متّصف نمی شد زشتی عمل به زیبایی در دیدنش (عامل). پس، متّصف نشد به زیبایی نزد او تا آن که عمل قبول کرد صفت زیبایی را به وجهی از وجوه وجودی. پس آن زشت است از روی خبر، و زیباست از روی رؤیت. پس، گویی رؤیت تصدیق نکرد خبر را، و شاهد رؤیت قاطع تر است:

و لكن للعيان لطيف معنى لذا سأل المعاينة الكليم

(دیدنت را لطیف دیگرست در معنی برای همین، در خواست دیدار داشت موسی)

ولی مردم در پی آنند که خُبَر خبر را تصدیق کند و خُبَر رؤیت را، ولی احدی را ندیدیم که در پی آن باشد که خُبَر رؤیت را تصدیق کند آن گونه که خُبَر خبر را تصدیق می کند. لذا، اختلاف نظر است در مورد [پذیرش] شهادت کور ولی اختلاف در مورد [پذیرش] شهادت صاحب بصر نیست. برای همین، خدای تعالی در ادامه همان آیه میفرماید، "فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ" (پس، خدا هر که را خواهد ضالّ گرداند) (35:8 فاطر)، یعنی حیران می گرداند هر که را خواهد در مثل این، از حیثی که وصف نمود آن را به زشتی و زیبایی. پس، مکلف نمی داند چه چیزی غلبه می کند، و [نیز] با قولش "زُيِّنَ"، به صیغه مجهول، بدون نام بردن از فاعل، پس [مکلف] نمی داند چه کسی آن را تزئین نمود، آیا خدا آن را تزئین نمود، یا شیاطین تزئین نمودند آن را، یا حیات دنیا تزئینش کرده است. سپس، فرمود، "و يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ" (35:8 فاطر) (هدایت می کند هر را خواهد)، یعنی موفق می گرداند او را به فهم معنای زشتی و نکویی، و این که معنای این عمل چیست، و چگونه باید آن را فهمید، "فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ" (35:8 فاطر) (پس، تو خودت را در این حسرت بر ایشان از بین نبر!) یعنی تو نگران آنها مباش با حسرت خوردن بر آنان. پس، این بشارتی است از خدای تعالی به سعادت جمیع زیرا او حائل بین او - صلی الله علیه و سلم - و بین انسانیتش نمی شود، و او انسان است در همه حال و زایل نمی شود از او حسرت ها - و او انسانی است کامل - مگر با اطلاع از این که آنها سعادت مند می باشند سرانجام. پس، نباید از عوارض نگران بود زیرا زشتی برای عمل عارضی است بدون شک، و زیبایی برای آن ذاتی، و هر عارضی ای زائل می شود و هر ذاتی ای همیشه باقی

خواهد بود. پس، خدا خبیر است یعنی علیم است از روی ابتلاء "بِمَا يَصْنَعُونَ" (به آنچه می انجام می دهند) از هر چه ظاهر می شود در شما از افعال، و از شما!

[حسن حسنه و حسن سینه]

و درباره این رکن (رکن دوم توبه: ندم بر آنچه از دست شده است) نیز می باشد. در قول او، ["فات"] از "فات فلان فلانا جودا، إذا أربى عليه في الجود و زاد" (فوت کرد فلانی از فلانی جودی را هنگامی که بیافزاید بر او در جود و توشه) پس، این [گوینده] می بیند ندم در توبه را بر آنچه فوت شده است، یعنی آنچه افزون کرد حُسن سینه تبدیل شده را بر حُسن حسنه غیر تبدیل شده زیرا حسن حسنه به خودش است، نه به امری دیگری، اما حُسن سینه هنگامی که تبدیل شود دوتا است. یکی حُسن ذاتی، و آن حُسنی است که برای هر فعلی است از حیث آنچه برای خداست، و [دیگر] حُسنی زائد است، و آن خلعتی است که حق می پوشاند بر این فعل با تبدیل، و در نتیجه، می پوشاند حُسنی را بر آنچه ظاهر می شود در آن از زشتی. پس، زشتی عمل افزود حُسنی را بر حُسن عمل با آنچه حق پوشاند بر آن. بنابراین، حُسنه مانند شخصی زیبا است که در غایت زیبایی است ولی لباسی بر او نیست، و [سینه] شخصی زیبایی است در غایت زیبایی، که بر او چرکی از غبار کشیده شده است، آنگاه عارض او را از آن غبار پاک می شود، و زیبایی او آشکار می گردد، سپس پوشانده می شود لباسی زیبا و فاخر، که با آن دو چندان می شود زیبایی و حُسنش، و در نتیجه، می افزاید اولی حُسنی.

7. شعر: مولانا، در دفتر ششم مثنوی:

هم خر و خرگیر اینجا در گل اند	غافلند این جا و آن جا آفلند
جز کسانی را که وا گردند از آن	در بهار فضل آیند از خزان
توبه آرند و خدا توبه پذیر	امر او گیرند و او نعم الامیر
چون بر آرند از پشیمانی حنین	عرش لرزد از انین المذنبین
آن چنان لرزد که مادر بر ولد	دستشان گیرد به بالا می کشد
کای خداتان وا خریده از غرور	نک ریاض فضل و نک رب غفور
بعد ازینتان برگ و رزق جاودان	از هوای حق بود نه از ناودان
چونک دریا بر وسایط رشک کرد	تشنه چون ماهی به ترک مشک کرد

8. اشارتی عرشی: در مبشره ای نام دو سوره مبارکه از قرآن کریم شنیده شد، که یکی از آن دو سوره مبارکه المزمّل بود، پس از گوش سپردن بدان، آخرین آیه آن جذبه ای خاص داشت، آنجا که می فرماید، "عَلِمَ أَنْ لَنْ تَحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ" (دانست که شما هرگز آن را نمی توانید شمار کرد، پس بازگشت بر شما). در این اشارتی و بشارتی دیده شد به این که توبه خدا بر بنده در حقیقت، قرار دادن اوست در مقام قرب نوافل پس از علم ذوقی به او و تجارب و احساسات او، و به رسمیت شناختن ذوق و تجربه بنده است. پس، چون بنده مومنی زیبا یابد کاری را که در شرع و عرف و یا ملاک های دیگر زشت باشد، خدای تعالی باز می گردد بر او در حدّ وسع و بینش او تا او باز گردد سویی خدا با پشیمانی و ندامت بر آنچه فوت شده است از او از زیبایی ای که در رعایت امر تشریعی خدای تعالی بوده است، و آنگاه خدای تعالی باز می گردد بر این بنده با پوشاندن خلعت قبول.

این معنا در چندین آیه از آیات قرآن کریم آمده است. برای مثال:

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أُلْفَى اللَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَ طَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَ اللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تَحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَى وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اقْرَءُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تَقْدُمُوا لَأَنفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَحْذَرُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ أَوْ أَعْظَمُ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (73:20 المزمّل)

(بی گمان پروردگارت می داند که تو و دسته ای از کسانی که با تواند نزدیک به دو سوم شب و نیمه آن و یک سوم آن برمی خیزی؛ و خداوند شب و روز را اندازه می دارد، دانست که شما هرگز آن را نمی توانید شمار کرد، پس بازگشت بر شما؛ اکنون آنچه میسر است از قرآن بخوانید! دانست که برخی از شما بیمار خواهند بود و برخی دیگر در زمین، گام می زنند و (روزی خود را) از بخشش خداوند می جویند و گروهی دیگر در راه خداوند جنگ می کنند بنابراین آنچه میسر است از آن بخوانید و نماز را بر پا دارید و زکات بپردازید و به خداوند وامی نیکو بدهید و هر نیکی که برای خویش از پیش فرستید پاداش آن را نزد خداوند بهتر و با پاداشی سترگتر خواهید یافت و از خداوند آمرزش بخواهید که خداوند آمرزنده ای بخشاینده است.)

الآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَ عَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِّائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (8:66 الأنفال)

(اکنون خدا بر شما تخفیف داده و معلوم داشت که در شما ضعفی هست. پس اگر از [میان] شما یکصد تن شکبیا باشند بر دویست تن پیروز گردند، و اگر از شما هزار تن باشند، به توفیق الهی بر دو هزار تن غلبه کنند، و خدا با شکیبیان است)

وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ (8:23 الأنفال)

(و اگر خدا می‌دانست در آنان خیری را، قطعاً شنوایشان می‌ساخت، و اگر آنان را شنوا می‌کرد، حتماً باز به حال اعراض روی برمی‌تافتند)

أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةُ الصَّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (2:187 البقرة)

(در شب‌های روزه، همخوابگی با زنانان بر شما حلال گردیده است. آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید. خدا دانست که شما با خودتان ناراستی می‌کردید، پس توبه کرد بر شما، از شما درگذشت. پس، اکنون با آنان همخوابگی کنید، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته طلب کنید. و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید بامداد از رشته سیاه بر شما نمودار شود؛ سپس روزه را تا شب به اتمام رسانید. و در حالی که در مساجد معتکف هستید درنمایید. این است حدود

احکام الهی! پس بدان نزدیک نشوید. این گونه، خداوند آیات خود را برای مردم بیان می‌کند، باشد که پروا پیشه کنند
وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خُطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَٰكِنْ لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْزَمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجْلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ (2:235 البقرة)

(و درباره آنچه شما به طور سربسته، از زنان [در عده وفات] خواستگاری کرده، یا [آن را] در دل پوشیده داشته‌اید، بر شما گناهی نیست. خدا دانست که [شما] به زودی به یاد آنان خواهید افتاد، ولی با آنان قول و قرار پنهانی مگذارید، مگر آن که سخنی پسندیده بگویید. و به عقد زناشویی تصمیم مگیرید، تا زمان مقرر به سرآید، و بدانید که خداوند آنچه را در دل دارید می‌داند. پس، از [مخالفت] او بترسید، و بدانید که خداوند آمرزنده و بردبار است.)